



۲۰۱۶/۰۳/۲۰



احسان الله مایار

جنبش مشروطیت در افغانستان

اثر شادروان پوهاند عبدالحی حبیبی

قسمت چهارم

۳- مولوی عبدالرب :

پسر دوم مولوی عبدالروف است که در قندهار در حدود ۱۲۹۵ ق به دنیا آمد و تحصیلات علمی خود را در علوم اسلامی و زبان عربی در محضر پدر تکمیل کرد و در عصر امیر حبیب الله خان استاد دینیات و فلسفه اسلامی مدرسه حبیبیه بود و در مدرسه شاهی نیز تدریس می کرد و در جنبش مشروطیت اول محبوس گردید، ولی بعد از رهایی در تأسیس مکاتب و توسیع معارف جدید دستی داشت و عضو شورای معارف و مدیر مکاتب ابتدایی و در المعلمین کابل بود. (حدود ۱۳۳۰ ق).

وی یکی از نویسندگان نیست که در سراج الاخبار محمود طرزی، مضامین دینی را با سبک جدید تحقیق در فلسفه اسلامی نشر می کرد. چون در سال ۱۳۳۲ ق پدرش ملا عبدالروف از جهان رفت وی بحیث "ملای حضور" به دربار امیر محشور بود و در سفر اخیری که امیر در شتانیه کله گوش لغمان کشته شد (شب پنج شنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۳۷ ق - ۲۱ فیروزی ۱۹۱۹) وی نیز در جلال آباد به تب محرقه و سرسام در همین شب جان داد و در همانجا مدفون گردید.

جریده امان افغان در شماره اولین خود که به تاریخ ۲۲ حمل ۱۲۹۸ ش - ۱۲ اپریل ۱۹۱۹، نشر شده به قلم مرحوم عبدالهادی داوی چنین نوشته که معرف شخصیت اوست :

"جناب مستطاب مولوی عبدالرب خان مدیر مکاتب ابتدائیه و دارالمعلمین و ملای حضور اعلیحضرت شهید، که در مکتب حبیبیه و مکاتب ابتدائیه خدمات نمایانی انجام داده بود، به مرض محرقه در جلال آباد گرفتار و آخر سرسام شده، به رحمت حق پیوستند ۰۰۰ حقیقتاً یک ضایعه بزرگ علمیست... که با رحلت ایشان مقام ریاست شریعت در مملکت خالی ماند... بازماندگان محترم شان را تعزیت می دهیم. (امان افغان ص ۱۰ شماره اول ۲۲ حمل ۱۲۹۸ ش طبع کابل).

تالیفات مولوی عبدالرب اکثر کتب درسی است که برای تدریس در بیت العلوم حبیبیه و دیگر مکاتب به زبان دری نوشته و طبع شده است مانند:

- ۱- سراج العقاید طبع کابل برای صنف پنجم ابتدایی
- ۲- دینیات در چهار جلد طبع کابل، برای چهار صنف اول تا چهارم ابتدایی

۳- رساله اطاعت اولوالامر طبع کابل.

۴- سراج القضاة، نسخه خطی آرشیف ملی کابل

۵- مقدمه فلسفه اسلامی (خطی)

۶- سراج السیر در سیر نبوی (ص) طبع لاهور برای مکاتب متوسطه.

۷- مقالات متعدد در سراج الاخبار راجع به تفسیر و فلسفه اسلامی.

۸- سراج الفقه در دو جلد طبع کابل ۱۳۳۱ ق.

۴- مولوی غلام محی الدین افغان:

اصلاً از قوم جمریانی قندهاری و معلم مدرسه حبیبیه بود که خانواده او در پشاور می زیست و از جمله فراریان جمعیت سردار محمدایوب خان فاتح میوند بوده اند. وی در کالج های هند تحصیل کرد و در حدود ۱۳۲۴ ق واپس به وطن آمد و مرد مجرد، آزاد و خوش مشربی بود که در سرای پشاورى ها شوربازار کابل می زیست. رفقاء همیشه در اتاق او جمع می شدند که شکل کلویی را به خود گرفته بود، در آنجا دیگچه پزانی و شطرنج می کردند و گاهی به مناظره های علمی، ادبی و سیاسی می پرداختند.^۱

افغان یکی از نویسندگان سراج الاخبار و شاعران پشتو است که با محمودطرزی هم محشور بود و همواره کمک قلمی می کرد و محمود طرزی در یکی از شماره های سراج الاخبار در باره او چنین نوشته بود:

"یک عالم با علم افغانی نژاد افغانی زبان وطنی ما جناب مولوی غلام محی الدین افغان سرکرده مدرسه دارالمعلمین است که به زبان های شرقی مانند پشتو، پارسی، عربی و زیاده برآن به زبان های متنوعه هندوستان مانند اردو، گورمکھی شاستری، سانسکریت و غیره به درجه یی که ترجمه بتواند آگاهی دارد.

"معرکه مذهب و ساینس" که جناب غفران مآب شیخ شبلی نعمانی آنرا ترجمه به زبان اردو نموده، این مرد فاضل افغانی ما به زبان پارسی ترجمه می کنند.^۲

افغان که در مشروطیت اول در سنه ۱۳۲۷ ق محبوس گردید و بعد از مدتی رهایی یافت مدیر دارالمعلمین و مرد ملت دوست شاعر و ادیبی بود^۳ که اشعار پشتو و مقالات فارسی او در سراج الاخبار انتشار می یافت.

افغان شخصیت پرورنده و محبوبی داشت و همواره مرکز تجمع یاران روشنفکر و جوانان افغان بود که از وی چیزی می آموختند و هم می شنیدند. چون روز چهارشنبه ۱۲ اسد ۱۳۰۰ ش در کابل وفات یافت و در تمام عمر خود مجرد زندگی کرده بود، همین یاران بزم و پروردگان محفل او جنازه اش را با تأثر و احترام برداشتند و در مقبره عمومی شهدای صالحین به خاک سپردند و بر لوح مزارش نخستین بار به زبان پشتو کتیبه معرف شخصیت او را نوشتند که متن آن چنین است:

"مولوی غلام محی الدین افغان په قندهار کی متولد سو او هلته یی دینی تعلیم حاصل کړ. پس په معیت د سردار ایوب خان په راولپنډی و لاهور کی یی د فرار په حالت کی له انگریزی مکتبو څخه جدید تعلیم واخست. چی

^۱ مقاله میر .

^۲ مقالات محمود طرزی ۶۲۵ طبع، کابل ۱۳۵۹ در اینجا مرحوم محمود طرزی سهو شده، ترجمه اردوی معرکه مذهب و ساینس از مولانا ظفر علی خان مدیر زمیندار لاهور و یکی از زعمای مسلمانان هند در نیمه اول قرن بیستم است که در همان اوقات در هند چاپ شده و ترجمه ایست از اثر ولیم دارپر، یک تن مؤرخ و مؤلف امریکایی.

^۳ مولوی محمدحسین: انقلاب افغانستان به زبان اردو ۹۲ طبع جالندهر ۱۳۰۹ ش.

بیرته کابل ته راغی، د امیر حبیب الله خان په عهد د مکاتب ابتدائی و ممتحن سو پسله خدمت د ۱۴ کالو د معارف، د امیرامان الله خان غازی په روشن دوران کی مدیر د دارالمعلمین سو او هغه خیالات او ارادی د اصلاح او ترقی د ملت چی د دولس کاله پخوا یی په مجلس د جان نثاران اسلام کی معاهده کړی وی، د ظل په الهی تر سیوری لاندی پخپله ثمرته ورسیدی. په دا کیف مطمئن او راضی د عبادالله په خدمت کی داخل، په اجل پرودگار ته راجع سو او هغه د ټولو څښتن په جنت کی داخل کړ.

چی په یار پسی تر ځان او جهان تیر وی
څوک کولای شی دا هسی مشقت

دعا د (خوان افغان) په یاد د هغه د وطن دوستی او وفا له زړه څیژی. د شپیتو کالو د صلاح او تجرد او خوانی په ژوند کی ملگری د خوان مردانو، اهل او صالح د هر مشربو، چی ټول یی آمرزش غواری.

به روز مرگ که یوم وصال یارانست
کسیکه دست من آن دم گرفت یار، آنست

تاریخ وفات چهار شنبه ۱۱ اسد سنه ۱۳۰۰ ش مطابق ۲۸ ذیقعدة الحرام ۱۳۳۹ ق."

راجع به آثار و افکار افغان به مجموعه مقالات "افغان یاد" که در سنه ۱۳۱۱ ش در کابل از طرف پوهنځی ادبیات طبع می گردد و نیز رساله "د غلام محی الدین افغان افکار او آثار" طبع پوهنتون کابل ۱۳۶۰ ش رجوع شود.

۵- عبدالجلال خان :

از مردم قندهار و پسر عموی مولوی غلام محی الدین افغان بود، که با جمعیت مشروطه خواهان محشور و مرد وطن خواه حلیم و فکوری بود، و در سنه ۱۳۲۷ در شیرپور محبوس شد و تا اخیر عصر امیر حبیب الله خان محبوس ماند.^۴

جلال خان که شخصیت خاموش و متحمل اما بیداری داشت در سال ۱۲۹۸ ش رها گردید و به قندهار رفت و در بازار شاه دکان چینی فروشی داشت و نزد روشنفکران محترم بود و تا حدود ۱۳۱۲ ش هم زندگی داشت.

ادامه دارد

۲۰%Mayar_E/ehsan_m_jonbesh_mashrutiyat_dar_afghanistan_۰۴.pdf

^۴ مقاله میر محمدقاسم خان